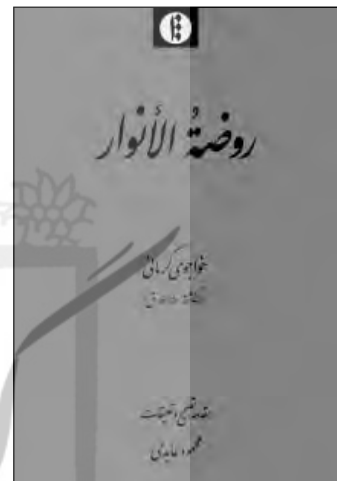




روضه‌الأنوار، خواجهی کرمانی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، پنجاه و پنج + ۳۵۲ ص، ۱۳۸۷ش.



بلکه برای طرح در محافل اهل سیاست و حکومت هم جاذبه‌هایی داشته است.

از جانب دیگر، روضه‌الأنوار و مخزن‌الاسرار، در بعضی از معانی صوفیانه، ملاحظات اخلاقی و اجتماعی و بعضی از ویژگی‌های زبانی، با حدیقه سنایی پیوندی دارند، در عین حال که تفاوت‌های آنها بسیار است. از جمله تفاوتها در میزان سلامت اجتماعی عصر زندگی و در نتیجه سکونت خاطر و نشاط روحانی است که در آثار هر یک انعکاس یافته است و سنجش این آثار با چنین نگاهی به شعر عارف قرن ششم و صوفیانه‌گوی قرن هشتم، درجه تحول استغنا و رضامندی و تبدیل آن به نیاز و ناخرسندی را به خوبی خاطر نشان می‌کند.

به علاوه، در روضه‌الأنوار از شکوه‌هایی که شاعر از زادگاه خویش، کرمان، و اهل زرق و ریای آن سامان دارد با استمداد روحانی وی از شیخ مرشد مدفون در کازرون، و اظهار ارادتمندی به امین‌الدین بلیانی، در پیوسته است، و این شکوه و ارادت، خود به خود نمودار اختلاف طریقت و نظر صوفیان شناخته شده کرمان و مورد احترام آل مظفر، و مشایخ شیراز و خاندان اینجوست که شاعر با آنها سر و کار داشته است.

الإفادة فی تاریخ الأئمة السادة، ابوطالب یحیی بن حسین هارونی؛ تصحیح و تحقیق محمد کاظم رحمتی، پنجاه و نه + ۱۳۶ ص، ۱۳۸۷ش.



دانش تاریخ‌نگاری، خاصه آثار تاریخ‌نگاران فرقه‌ای چون زیدیه به دلیل اشتغال بر مطالبی که در تاریخ‌نگاری‌های رسمی نمی‌توان یافت، برای بررسی تاریخ و تحولات

روضه‌الأنوار خواجهی کرمانی، در جمع نظیره‌های متعدد مخزن‌الاسرار نظامی، منظومه‌ای دلنشین و دارای ارزش‌های استثنایی است. زبان آراسته‌اش، گذشته از آن که خود مشحون از تازگی‌هاست، بعضی از تعبیر نو شده نظامی را هم با خود دارد و در بسیاری از موارد، راه فهم زبان حافظ را هموار می‌کند. بخش اعظم مطالب آن، خلاصه مباحث صوفیانه‌ای است که در حوزه‌های فرهنگی اواخر قرن هفتم و اوائل هشتم کرمان و فارس، مجلس درس دوست‌داران تصوف را گرمی و رونق می‌داده است. حضور عناصر برجسته‌ای از لمعات فخرالدین عراقی (م: ۶۸۶) در آن، نشان می‌دهد که آثار و اندیشه‌های وی و چه بسا محیی‌الدین بن عربی (م: ۶۳۸)، در آن سالها، در شیراز و کرمان، نه تنها در میان اهل مدرسه خواندگانی جدی، مانند خواجه، می‌دیده است،



زیدیه اهمیت فراوانی دارد. از جمله این آثار کتاب الإفادة فی تاریخ الأئمة السادة از ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (م: ۳۳۳/۴۲۴م) است. هارونی که خود از برجسته ترین شاگردان ابوالعباس حسنی، محدث و تاریخ نگار برجسته زیدیه و مؤلف کتاب المصایح بوده، متأثر از همو و تنها با اختصار بیشتری کتاب الإفادة را به رشته تحریر درآورده است. هارونی در ۳۴۰ به دنیا آمده و نخست نزد پدرش که از علمای امامیه بود، تحصیل نمود. بعدها او و برادرش نزد ابوالعباس حسنی که باعث تغییر مذهب آنها از امامیه به زیدیه شده بود، فقه و کلام زیدیه را فرا گرفتند.

هارونی همچنین نزد ابو عبدالله بصری از مشایخ نامدار معتزله بغداد کلام آموخته است. بعد از وفات برادرش در ۴۱۱ با او به عنوان امام بیعت شد. وی آثار مهمی در کلام و فقه زیدیه تألیف کرده است. از آثار مهم کلامی او می توان از الدعامة فی تثبیت الامامة، مبادی الادلة (در دانش کلام)، شرح البالغ المدرك (شرحی بر کتاب البالغ المدرك الهادی الی الحق) و زیادات شرح الاصول، شرحی بر کتاب الاصول ابوعلی بن خلاد، عالم معتزلی قرن چهارم نام برد. هارونی در فقه زیدیه، کتابهای مهمی چون التحرير فی الکشف عن نصوص الائمة النحاریر تألیف کرده است که در آن مسائل فقهی را بر اساس فقه قاسم بن ابراهیم، الهادی الی الحق و دو فرزند او ناصر و مرتضی تدوین و شرح کرده است. هارونی در ۸۴ سالگی در ۴۲۴ در یکی از روستاهای دیلمان درگذشت و فرزندش جنازه او را به امل منتقل کرده و آنجا به خاک سپرد.

هارونی در کتاب الإفادة بر اساس فهرست اسامی امامان زیدی که الهادی در الاحکام (ج ۱، صص ۴۲-۴۳) از آن سخن گفته، به اجمال به ذکر شرح حال آنها پرداخته است. هارونی در آغاز کتاب خود اشاره کرده که وی در آغاز به تألیف کتابی مفصل در بیان احوال علویان قیام کننده (مبینه) پرداخته و نام آن را الحدائق فی أخبار ذوی السوابق نهاده اما چون به بیان احوال زندگانی امام حسین — علیه السلام — رسیده بود، به دلیل اشتغال به کارهای دیگر و کمی فرصت به تلخیص این کتاب مشغول شد و کتاب الإفادة را تألیف کرده است. هارونی در این کتاب تنها به بیان شرح حال علویانی پرداخته که در سنت زیدیه به عنوان امام شناخته می شوند.

هارونی در تألیف کتاب خود به دلیل تشابه در نقل برخی از مطالب یا از کتاب المصایح سود جسته یا از منابعی که حسنی و آملی در تألیف کتاب خود بهره برده اند، در اختیار داشته و از آنها نقل قول کرده است. نکته جالب توجه، برخی نقل قول های هارونی از فردی است که ابو اسحاق ابراهیم بن هلال صابی (م: ۳۸۴ق/۹۹۴م) در کتاب التاجی فی اخبار الدولة الدیلمیة نیز اخباری در شرح حال زیدیان طبرستان از او نقل کرده است. کتاب التاجی صابی اثری مشهور در تاریخ نگاری آل بویه بوده (ابن ندیم، ص ۱۴۹) و بخش های آغازین آن شرح احوال علویان طبرستان را دربر داشته که به همین دلیل، این بخش ها در سنت زیدیه باقی مانده و به دست ما رسیده است. هارونی، شرح حال ناصر اطروش را به تفصیل آورده که بعدها دیگر مورخان زیدی این مطالب را به نقل از او بازگو کرده اند.

آینة میراث، سال ۶، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷ (پیاپی ۴۰)، ویژه نامه شبه قاره (۱)



چهلیمین شماره فصلنامه آینه میراث، ویژه نامه شبه قاره (۱) با این مقالات منتشر شد:

– سهم سید علی همدانی در انتقال فرهنگ ایران و اسلام به شبه قاره هند و پاکستان و ستم ستیزیهای او، رضا مصطفوی سبزواری  
سید علی همدانی اگرچه در ایران شهرت زیادی نیافته،

اما در شبه‌قاره هند و پاکستان، به‌ویژه در میان مسلمانان، شهرت بسیار زیادی دارد. او سرمشق فضیلت و اسلامیت و انسانیت بوده است. آثار شاه همدان که شامل حدود ۱۱۰ کتاب و رساله و مجموعه شعر است، بر روی هم از او یک چهره فرهنگی و دینی نمودار ساخته است. او حدود یک‌سوم عمر خود را در مسافرت و جهانگردی گذرانیده و بیشتر این مسافرت‌ها جنبه تبلیغی و ارشادی و تعلیمی داشته است.

نامه‌های سید علی که بیشتر به قصد ارشاد حاکمان و فرماندهان آن زمان نگارش یافته، ضمن اینکه دربردارنده اطلاعات ذقیمتی از آن روزگار است، نمونه‌هایی از ترسل و نامه‌نگاری آن روزگار نیز محسوب می‌گردد.

سیدعلی شرحی بر تعدادی از اشعار و نیز بعضی مصطلحات خواجه حافظ نوشته و هم با خواجه حافظ ملاقات داشته و از این جهت شرح او نزدیکترین شرحها به زمان حافظ است. شاه همدان در انتقال فرهنگ ایران و اسلام به شبه‌قاره و کشمیر نقش بسیار مؤثری داشته است.

#### – کتابهای ایرانیان در برنامه‌های مدارس اسلامی هند، اکبر ثبوت

انتقال اسلام از ایران به هند (از مسیر خراسان و ماوراءالنهر) موجب گردید که برنامه‌های مدارس اسلامی در هند قویاً متأثر از فرهنگ ایرانی باشد. در مقاله حاضر، ادواری که در طول نه قرن بر این مدارس گذشته، به چهار دوره تفکیک، و جایگاه چشمگیر مؤلفات و آثار قلمی ایرانیان – در رشته‌های مختلف – در برنامه‌های مدارس مشخص شده و از مهاجرت دانش‌طلبان هندی به ایران (در دوره دوم در پایان سده نهم) و مهاجرت دانشمندان ایرانی به هند (خاصه در دوره سوم در سده دهم) به عنوان عامل مهمی برای رواج مصنفات ایرانیان به عنوان کتابهای درسی یاد شده است؛ و سرانجام تفصیل این گزارش که در دوره چهارم دو برنامه درسی جداگانه، به وسیله کسانی طراحی شد که شجره نسب علمی آنان به علمای ایران می‌رسید و با کتابهای ایشان تعلیم گرفته و متأثر از آرا و نوشته‌های آنان بودند و از همین روی در هر دو برنامه یاد شده، کتابهای ایرانیان جایگاهی درخور داشت.

#### – دیباچه‌ای بر دانشنامه‌نویسی در شبه‌قاره با نگاهی ویژه به کشف اصطلاحات الفنون و العلوم تهنوی، محمدحسین ساکت

دانشنامه‌نویسی یکی از تکاپوهای راهبردی در نشر آگاهی و رساندن داده‌ها به بشر و جامعه فرهنگی بشری بوده است و از دیرباز جایگاهی ویژه در میان نگارشها داشته است. با جنبش ترجمه در جهان اسلام، دانشنامه‌نویسی جان گرفت. دانشمندان مسلمان ایرانی برای فراهم‌آوری دانشنامه‌های فارسی و تازی به دست کار شدند و گنجینه‌ای گرانبها از خود به یادگار گذاشتند.

دانشنامه‌نویسی در شبه‌قاره سرگذشت و روند گیرا و شاینده نگرش و پژوهش دارد. این گفتار به گوشه‌ای از این کوشش و کشش فرهنگی در شبه‌قاره هند و پاکستان می‌پردازد و تکیه و تأکیدی ویژه بر کشف اصطلاحات الفنون و العلوم تهنوی دارد.

#### – بابا رتن هندی و مآثورات اخلاقی ما، جویا جهانبخش

در حدود پس از سال ۶۰۰ هجری شخصی به نام رتن در هند ظهور کرد که مدعی شد از صحابه پیامبر گرامی (ص) بوده است و از همین روی به روایت سخنانی از آن حضرت پرداخت. وی نظر گروهی از طالبان حدیث و متصوفان روزگار را به خود جلب کرد.

ادعای رتن مبنی بر صحابت و روایت بلاواسطه از پیامبر اکرم (ص) مورد انتقاد و تخطئه ناقدان برجسته حدیث قرار گرفته است. با این‌همه جوانبی از شخصیت وی و پاره‌ای از منقولاتش به برخی از آثار کهن صوفیانه و اخلاقی راه یافته که شایان بررسی پژوهش‌پایانه می‌باشد. این گفتار به گوشه‌هایی از نقد حال رتن و تأثیر او بر تراث اسلامی می‌پردازد.

#### – گوشه‌ای از مبادلات علمی ایران و هند، حکیم علوی‌خان شیرازی، فرید قاسملو

بررسی تاریخ روابط اجتماعی بین دو سرزمین ایران و هند بسیار مهم است چرا که سرزمین هند نقش بسیار مهمی در ورود بخشی از علوم نوین به ایران داشته است. اما این موضوعی است که کمتر بدان پرداخته شده است و کمبود در دو عامل ما را با مشکلاتی برای بررسی در



تصحیح و انتشار آثار او در یکی از نهادهای علمی و فرهنگی کشور تشکیل گردد.

– **شیخ عبدالحق محدث دهلوی، سید کمال حاج سید جوادی**

در میان دانشمندان بزرگ شبه‌قاره هند که پاسدار زبان فارسی و فرهنگ ایرانی بوده‌اند، عبدالحق محدث دهلوی چهره‌ای برجسته ولی ناشناخته است، وی نقشی بسزا در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا کرده است.

او ستاره درخشانی در قرن دهم هجری است که بیش از ۱۵۰ کتاب و رساله نگاشته است. این مقاله درباره زندگی‌نامه این خردمند بزرگ بوده و مشخصات حدود هشتاد عنوان از کتابهای وی را دربر دارد. اطلاعات این کتابها از فهرست‌های نسخ خطی و منابع و مأخذ گرفته شده است.

کتابهای عبدالحق موضوعات گوناگونی را به خود اختصاص می‌دهد. موضوعاتی همچون تفسیر، تجوید، حدیث، فقه، عقاید، تصوف، ادعیه، سیاست، نحو، تاریخ، منطق و ادبیات. این مقاله به توضیحاتی درباره کتابهای مهم وی مانند اخبار الاخیار، اشعه اللمعات، مدارج النبوه، جذب القلوب، و فضائل ائمه اثنی عشر نیز می‌پردازد.

– **ضرورت توجه به دستنویسهای شبه‌قاره در حوزه، علوم با تکیه بر دو حوزه ریاضیات و نجوم، احمد رضا رحیمی ریس**

به چند دلیل باید به دستنویسهای ریاضی و نجومی شبه‌قاره توجه کرد: نخست آنکه دستنویسهای علمی شبه‌قاره – همچون دستنویسهای علمی دیگر کشورها – به مراتب کمتر از دستنویسهای دینی و ادبی مورد توجه بوده‌اند. دوم آنکه با بررسی دستنویسهای علمی شبه‌قاره نوعی مشارکت تمدنهای کهن این منطقه در سیر تحول علوم یافت می‌شود و نشانه‌هایی از آن، به‌ویژه در حوزه ریاضیات (حساب هندی) و نجوم، به چشم می‌خورد. از سوی دیگر با استفاده از دستنویسهای علمی شبه‌قاره می‌توان بسیاری از متناهی ناشناخته و یا ناقص را شناخت و تکمیل کرد و از این راه سیر تحول علوم ریاضی و نجومی را بررسی کرد. همچنین باید یادآوری کرد که در تصحیح انتقادی بسیاری از متون علمی، از

این زمینه روبرو می‌سازد. این دو عامل عبارت‌اند از: ۱. نبود تکنوگرافیهای متعدد برای بررسی تاریخ علوم در هند و ارتباط آن با ایران. ۲. نبود تئوری‌هایی برای بحث و بررسی در این زمینه. مقاله حاضر به بهانه بررسی و نگاهی به زندگی حکیم علوی خان شیرازی، کوششی دارد برای اندکی رفع این کمبودها.

– **فرهنگ‌نویسی فارسی در شبه‌قاره هند، سراج‌الدین علی‌خان آرزو و فرهنگ چراغ هدایت، علیم اشرف‌خان**

ارتباط میان نیاکان پارسی با هندی از دیرباز تاکنون به ارادت فرهنگی میان این دو قوم آریایی انجامید. فرهنگ‌نویسی فارسی در هند از جمله مواردی است که این ارتباط و ارادت را مستند می‌سازد، به‌طوری‌که هندیان را در فرهنگ‌نویسی فارسی از ایرانیان کوشاتر می‌یابیم. این مقاله می‌کوشد مروری داشته باشد بر چگونگی فرهنگ‌نویسی فارسی در هند؛ در این راستا فرهنگ‌نویسی فارسی را در هند به سه دوره قبل از مغول، مغول و دوره جدید منقسم کرده و آن را در دو شیوه، مجزا نموده است. شیوه اول (قبل از مغول) معطوف به جمع‌آوری واژگان زبان و شیوه دوم (مصادف با دوران مغول) معطوف به پژوهش و نقد و بررسی در باب واژگان فارسی است. در اینجا نویسنده به شرح مفصل فرهنگ‌نویس مشهور هندی به نام سراج‌الدین علی‌خان آرزو پرداخته و فرهنگ‌نویسی وی را به نام چراغ هدایت به شیوه دوم مربوط می‌داند.

– **کاشفی بیهقی در هندوستان (بر اساس میراث مکتوب مشترک)، رضا مصطفوی سبزواری**

کاشفی بیهقی از اندیشمندان معاصر سلطان حسین بایقرا بود. به علوم دینی و فنون غریبه و ریاضیات، نجوم، موعظه و خطابه مسلط بود. بیش از چهل کتاب در زمینه‌های متنوع و مختلف از وی به‌جای مانده که انتشار آثار او در خارج از کشور بیشتر از داخل ایران بوده است. نگارنده در این مقاله کوشیده است تا جنبه‌های گوناگون آوازه او را در شبه‌قاره هند و پاکستان بنمایاند و به نمونه‌هایی از نسخه‌های خطی آثار کاشفی در آن خطه پهناور و نیز ترجمه‌های آثار او به زبانهای رایج در شبه‌قاره پردازد و در پایان پیشنهاد می‌کند کمیته‌ای برای

دستنویسهای شبه‌قاره — به سبب دشواری دسترسی به آنها — استفاده نشده است. در این مقاله سعی شده است تا با ارائه نمونه‌هایی، موارد پیش‌گفته بررسی شود. در انتهای مقاله گزارش آماری کوتاه اما جامعی درباره شمار دستنویسهای فارسی و عربی، هم‌چنین وضعیت فهرست‌نویسی و فهرستهای منتشرشده در شبه‌قاره آمده است.

#### — آشنایی با تذکره حسینی، سید کلیم اصغر

میرحسین دوست تذکره‌نویس و نثرنگار شبه‌قاره متخلص به «حسینی» یا «ذاکر» است و تذکره او که در این مقال مورد شرح و بررسی قرار می‌گیرد، تذکره حسینی نام دارد که در سال ۱۱۶۳ق به نگارش درآمده است. نگارنده در طی شرح مجملی از تذکره حسینی به نسخه‌های خطی، خلاصه، چاپ و دیگر آثار حسینی اشاره دارد.

#### — «عمید سنّامی» یا «لویکی» شاعری توانا اما ناشناخته، محمود مهرآوران

سرزمین هندوستان از دیرباز خاستگاه پرورش شاعران فارسی‌زبان بوده است. شاعرانی که ظرافت، توانایی و هنر خویش را در شاعری به زبان شیرین فارسی نشان داده‌اند. شهرت برخی چون امیرخسرو و حسن دهلوی همه‌گیر است، ولی شاعرانی هم هستند که کمتر شناخته شده و چندان نام و آوازه‌ای ندارند.

عمید سنّامی، یکی از این شاعران هنرور است که در مجموعه اشعار موجود از او می‌توان توانایی و استعداد فراوان او را در سرودن به زبان فارسی، دید. اشعار او پر است از زیبایی‌های شاعرانه، او در قرن هفتم هجری، یکی از دوره‌های درخشان زبان و ادب فارسی می‌زیسته است. این مقاله به معرفی او و اشعارش می‌پردازد.

#### — میرزا هرگوپال تفته؛ شاعر فارسی‌سرای شبه‌قاره، حافظ منصور احمد

میرزا هرگوپال تفته سکندرآبادی (متوفی ۱۲۹۶ق) یکی از شاگردان میرزا غالب دهلوی و از شاعران مهم دوره تیموریان متأخر و آغاز دوره انگلیسیها در شبه‌قاره است، وی در همه انواع شعر فارسی طبع‌آزمایی کرده و نمونه‌های عالی در قصیده، مثنوی، غزل، و قطعه به یادگار

گذاشته است، تفته در زمانی به سخن‌سرایی پرداخت که دوره سبک هندی محسوب می‌شود و بسیاری از شاعران هم، ویژگیهای سبک هندی را به انحطاط و ابتذال کشانده بودند. شعر تفته از این لحاظ منحنی و مبتذل نیست، شعر وی — چه از نظر لفظی و چه از نظر مفهوم — به سبک عراقی نزدیک‌تر است، زبان غزلیات وی بیشتر ساده، روان و از تکلف و تصنع خالی و از نظر محتوا هم ساده، روان و رسا است. خیالبافیها، مضمون‌پردازیه‌ها و تشبیهات و استعارات دقیق و مشکل در شعر وی دیده نمی‌شود، مضمون عمده غزلیاتش هم عشقی و احساساتی است. صبغه‌ای از «واسوخت» نیز در آثارش مشهور است، آثار میرزا هرگوپال تفته عبارت‌اند از چهار دیوان شعر فارسی، مثنوی سنبلستان در جواب بوستان سعدی و تضمین گلستان سعدی.

#### — احوال و آثار سنجر تهرانی، میرزا عبدالعطوف محمدتقی کمال‌الدین معروف به آغاسنجر، شکیل اسلم بیگ

ادیبان بسیاری از ایران به هند مهاجرت کردند تا تاریخ ادبیات فارسی در هند را هرچه بیشتر رونق بخشند. اینکه از چه زمانی مهاجرت ادیبان، دانشمندان و هنرمندان ایرانی به هند آغاز شد، پرسشی است که کنجکاوی محققین بسیاری را برانگیخته است. اکثر این محققین آغاز مهاجرت را به دوران قبل از صفویه منسوب می‌دانند. در این میان بسیاری از ادیبان ناشناخته مانده یا ارزش کار آنان مورد بی‌مهری قرار گرفته است.

میرزا عبدالعطوف محمدتقی کمال‌الدین متخلص به سنجر تهرانی از جمله ادیبان ایرانی است که پس از مهاجرت به هند نقش بسیاری در تاریخ ادبیات فارسی در هند داشته است. این مقاله می‌کوشد تا با ارائه شرح مجملی از زندگانی و آثار ادبی وی در زمینه ادبیات فارسی در هند، از او تقدیر به عمل آورد.

#### — مقام سعدی در سند، قاسم صافی

این مقاله نظر اجمالی دارد به نفوذ عمیق سعدی و گسترش آثار او در سند که از وسیعترین و پرجمعیت‌ترین مناطق جهان اسلام است و خدمت ناچیزی است در برابر حقی که سعدی بر گردن جامعه فرهنگی ما و شبه‌قاره دارد،



همچنین شناختن و شناساندن عناصری که فرهنگ و اندیشه مردم این سرزمین را تشکیل داده است و نقشی که سعدی و تأثیرات سخنوری او در این خطه داشته و حاصل آن، کمک به دریافتن فرهنگ مشترک مردم ایران و سند است.

با مهاجرین نقاش به هند، جدولی مشتمل بر شرح حال مختصری از نقاشان، سال ورود به هند، لقب و عناوین آنها، و بالاخره آثار مهمی که در هند به انجام رسانیده‌اند، آورده شده است.

#### – میر سید علی جدائی، نادرالملک همایون شاهی، کفایت کوشا

این مقاله به میر سید علی جدائی، از نگارگران و نقاشان نسل دوم در دوره صفوی، پسر میرمصور از شاگردان بهزاد می‌پردازد. میر سید علی جدائی تحت نظارت پدرش و آقا میرک بوده و ابعاد نگارگری ایران را تا مرزهای هند گسترش داده است؛ از این رو یکی از پایه‌گذاران مکتب ایران و هند محسوب می‌شود.

#### – علل مهاجرت نگارگران ایرانی به هند، محمد مرتضایی

در بررسی علل مهاجرت نقاشان ایرانی به هند نویسنده علت عمده و سرآغاز این مهاجرتها را فرار همایون پسر بایر پس از به سلطنت رسیدن و شکست از شیرشاه افغان به ایران می‌داند. مهاجرت همایون به ایران منجر به آشنایی او با فرهنگ و هنر ایرانی و علاقه فراوان وی به هنر نقاشی شد. بدین جهت او به جمع‌آوری آثار نقاش معروف آن دوران «بهزاد» همت گذارد و شاگردان بهزاد را برای مهاجرت به هند تشویق کرد تا به امید بازپس‌گیری قلمرو خود، نقاشی به شیوه و سبک بهزاد را در آنجا رواج دهد. کوششهای وی منجر به قبول مهاجرت میر سیدعلی پسر میرمصور و عبدالصمد شیرازی و... شد. طولی نکشید که پیش‌بینی همایون در بازپس‌گیری قلمروش به تحقق پیوست و نقاشان ایرانی به هند مهاجرت کردند. این مهاجرتها آغاز مهاجرت‌های بعدی هنرمندان به سوی هند بود. علت مهاجرت این هنرمندان به هند پرسشی است که نویسنده می‌کوشد آن را تحت سه عنوان مورد بررسی قرار دهد: عنوان اول: شرایط موجود در ایران که باعث مهاجرت هنرمندان به هند شده است. عنوان دوم: شرایط موجود در هند که به سبب آن ایرانیان مهاجرت کردند؛ عنوان سوم: شرایط و موقعیت شخص کوچنده. در انتهای مقاله برای آشنایی

#### – سیری در احوال و آثار سراج‌الدین علی خان آرزوی اکبرآبادی، مهدی رحیم‌پور

سراج‌الدین علی خان آرزو یکی از نوابغ تاریخ ادبیات فارسی در زمینه‌های نقد ادبی، سبک‌شناسی، تذکره‌نویسی، شرح‌نویسی و فرهنگ‌نویسی به شمار می‌رود. علی‌رغم ارزشهای فراوانی که دیدگاهها و آثار آرزو دارد، تاکنون چنانکه باید و شاید، به زندگی و بررسی آثار او پرداخته نشده است. این مقاله ضمن معرفی سراج‌الدین علی خان آرزو و بررسی ویژگیهای فردی وی، به معرفی آثار او نیز می‌پردازد. اگر چه در قالب یک مقاله نمی‌توان، به صورت جامع، به این موارد پرداخت، ولی می‌توان آن را مقدمه‌ای برای یک تحقیق مفصل و اساسی در مورد آرزو و آثارش دانست.

#### – تذکره همایون و اکبر، ابوالحسن مبین

کتاب تذکره همایون و اکبر اثر بایزید بیات به زبان فارسی و متعلق به قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی است. بایزید در این اثر با یادآوری خاطرات خود به شرح رویدادهای پیرامون دو پادشاه سلسله گورکانیان هند، یعنی همایون و فرزندش اکبر، پرداخته است. او وقایع دوران همایون را از سال ۹۴۹ ق / ۱۵۴۲م و مقارن ورود وی به ایران شروع کرده و تا سال ۹۹۹ ق / ۱۵۹۰م یعنی سی و پنجمین سال سلطنت اکبر ادامه داده است. این کتاب که اخیراً در ایران منتشر شده است از منابع مهم تاریخ سلسله گورکانیان هند و روابط آن با ایران دوران صفوی است. در مقاله حاضر سعی است شده ضمن بحثی درباره کتاب و دلایل اهمیت آن از لحاظ تاریخی و شرح حال مؤلف و سبک نویسنده‌گی وی، محتوای کتاب و شیوه تصحیح آن نیز مورد بررسی قرار گیرد.

#### – رویکردی تطبیقی – تقابلی به دو سفرنامه مرآت‌الاحوال

کرمانشاهی و تحفة‌العالم شوشتری، امید سپهری  
سفرنامه مرآت‌الاحوال جهان‌نما اثر آقااحمد کرمانشاهی از

زمره آثار خوب فارسی پیرامون فرنگ‌شناسی، هندشناسی و استعمارپژوهی است که توسط یکی از اندیشه‌گران ایرانی در سده دوازدهم هجری نوشته شده است.

در این نوشتار ضمن معرفی و تحلیل مطالب مرآت‌الاحوال به مقایسه آن با یکی از متون هم‌تراز در زمینه آشنایی ایرانیان با تمدن غرب یعنی، تحفة‌العالم عبداللطیف شوشتری مبادرت گردیده است.

با مقایسه سطر به سطر مندرجات این دو متن، نگارنده متوجه همسانیهای عجیب این دو کتاب شد که در مقاله به تفصیل آنها پرداخته است.

### – جستاری در احوال و آثار و افکار شمس‌الدین فقیر دهلوی، فضل‌الله رضایی اردانی

بدیهی است که فرهنگ و زبان و ادبیات دو قوم ایرانی و هندی چنان باهم در آمیخته که گویی پیکره فرهنگی یگانه‌ای را تشکیل داده‌اند. وجود شخصیت‌های برجسته فارسی‌زبان و آثار فراوان فارسی که در شبه‌قاره هند پدید آمده و بدون آنها تاریخ ادب فارسی کامل نمی‌شود، حکایت از همبستگی دیرینه فرهنگی ایران و هند دارد. یکی از این شخصیت‌های برجسته اما گمنام سرزمین هند که با تألیف یا تصنیف آثار مختلف ادبی – بلاغی نقش چشمگیری در توسعه و آموزش زبان و ادب فارسی در هند داشته، شمس‌الدین فقیر دهلوی است. این مقاله تلاشی است تا ضمن بررسی مختصر اوضاع و احوال سیاسی – اجتماعی و ادبی عصر فقیر دهلوی، به احوال و آثار او به ویژه معرفی و تحلیل آثار شعری او در زمینه غزل‌سرایی و مثنوی‌سرایی بپردازد و شیوه و سبک شاعری او را با نقل و مقایسه اشعاری از او و مقلدانش نشان دهد.

– شمعی دیگر در انجمنهای ادبی، حسین مسرت  
مقاله بررسی تذکره‌ای است هندی که توسط امیرالملک سید محمد صدیق حسینی قنوجی نوشته شده است. در

این تذکره محمد صدیق از ۹۷۸ شاعر معاصر خود یاد کرده و آنان را معرفی می‌نماید. نام تذکره شمع انجمن است که در هند به چاپ رسیده است. در این تذکره سخنوران به ترتیب الفبا ذکر شده‌اند. مقاله می‌کوشد در کنار ذکر ویژگیهای این تذکره به نقاط قوت و ضعف آن نیز اشاره نماید و آن را مورد بررسی قرار دهد.

### – رساله در فن شالبافی، تألیف حاجی مختار شاه کشمیری، تصحیح عبدالله عطایی

صنعت شالبافی از جمله صناعی است که از ایران به شبه‌قاره هند انتقال می‌یابد. این صنعت در کشمیر بیش از مناطق دیگر هند رواج یافته و تا هم‌اکنون به عنوان شال کشمیری مورد توجه جهانیان قرار گرفته است. سیر تحول صنعت شالبافی را می‌توان به کمک رساله‌ای که توسط حاجی مختارشاه نوشته شده است دریافت. اجداد وی از شالبافان مشهور ایرانی بوده‌اند که در قرن هشتم هجری به کشمیر مهاجرت نموده‌اند.

نگارنده در مقدمه خلاصه‌ای از رساله حاجی مختارشاه را به همراه ذکر دلایل مهاجرت، علل رشد شالبافی، سیر فراز و فرود این صنعت مورد تحلیل قرار داده سپس اصل رساله را ارائه می‌دهد.

### – برهان العاشقین، مسعود فریامنش

برهان العاشقین، که معروف به قصه چهار برادر یا شکارنامه نیز هست، رساله‌ای تمثیلی یا استعاری عرفانی و آخرین رساله از مجموعه یازده رسائل سید محمد گیسودراز چشتی است. هرچند این رساله در نگاه نخست، به افسانه‌پردازی و خیالبافیهای عوام مانده است، اما متضمن بیان معارف صوفیه است و گیسودراز آن را بهانه‌ای برای ایراد نکات و مسائل عرفانی کرده است. افزوده بر این، هشت شرحی که بر این رساله کوتاه نگاشته‌اند، جملگی نشان از اهمیت آن نزد صوفیة شبه‌قاره هند دارد.

